

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سروش

۲۴ دسمبر ۲۰۱۷

اعتراف علنی تسلیم طلبان در ارتداد از اندیشه پیشرو عصر-۲

هیچ صیقل نکو نخواهد کرد آهنی را که بد گوهر باشد
سگ به دریای هفتگانه مشوی چونکه تر شد پلید تر باشد

به اساس تحقیقات انجام شده مؤسسه انگلیس اکسفام، یک در صد جمعیت ثروتمندان جهان برابر نیم نفوس جهان دارائی دارند. این فاصله طبقاتی و نابرابری در ایالات متحده امریکا و در کشور های سرمایه داری در حالی است که ۹۰ در صد شهروندان و نفوس جهان (به شمول شهروندان کشور های سرمایه داری) فقیر تر شده اند، و در صورت ادامه همین روند جهانی شدن در عصر نوین (به ادعای کله پوکان) خلاف امیدواری کاذب آن ها، فقراء فقیر تر و ثروتمندان ثرومند تر می شوند.

حال اگر ثروتمندان اقلیت که بر فقیران اکثریت از لحاظ اقتصادی حاکم اند و ستم می کنند، با مقایسه این نابرابری با چشم باز این پرگوبیان حقه باز چطور به دگرگونیها و تحولات جهان به نفع اکثریت خلق های گرسنه معتقد می شوند؟ آیا چنین درک سخیفی از مسأله، خود بیرون ماندن از واقعیات نیست؟ و باز این بیرون ماندن از واقعیات، دلیل تخدیر افکار این حرافان توسط تریاک نولیبیرالیزم نیست؟ این کژاندیشان کژراهه رو علی رغم این واقعیت های زنده و ملموس در مورد فقر و ثروت، تحت تأثیر این مخدر، صرف جوانبی و رنگ هائی از آن را دیده، به جهانی شدن سرمایه و منطق نولیبیرالی آن دل بسته و ضمن دریافت چند پول سیاهی، به منادی بی شعور آن مبدل شده اند؟

ببینید هشت ثرومند جهان در سال گذشته با ۴۲۶ میلیارد دلار در آمد سالانه به میزان ثروت بیش از نیم نفوس جهان در آمد شان بوده و میزان ثروت شان برابر به ۳،۶ میلیارد نفر می شود که ۴۰۹ میلیارد دلار ثروت دارند. یک درصد درآمد ثروتمندان جهان ۵۰،۸ درصد مجموعه دارائی کل جهان است. نتایج انبار شدن ثروت در دستان اقلیت محدود، فقر و گرسنگی در زندگی ۹۹ درصدی ها پدیده ایست که بالآخر آن ۸۰۰ میلیون انسان در جهان از گرسنگی رنج می برند. یک میلیارد نفر به اساس اعلام سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد از سوء تغذیه جان می دهند. هر شش ثانیه یک کودک در جهان از گرسنگی می میرد. سالانه دو میلیون کارگر در جهان به اثر بیماری های ناشی از مواد سمی و حوادث روزمره در محیط کار می میرند. نظر به گزارش سازمان بهداشت جهانی سالانه نیم میلیون زن حامله در اثناى ولادت و امراض ناشی از بیماری های مرتبط به آن می میرند.

دو صد و پنجاه میلیون کودک بدون شناسنامه حتی در کنار جاده ها و خیابان ها تولد می شوند و فاقد هر نوع امتیازی هستند. و یکصد و پنجاه میلیون کودک در کار های شاقه مشغول کار اند. در حدود یک میلیون کودک سوری شش میلیون کودک عراقی و دو میلیون کودک افغانی از اثر جنگ های تحمیلی ویرانگر جهان امپریالیستی سرگردان و بی خانمان و به آسیب های گوناگونی از آزار جنسی، خیابان گردی، تن فروشی، قاچاق شدن و شرکت اجباری در جبهات جنگ تحمیلی، به مرگ رو به رو هستند.

مین های کاشته شده که از جانب امپریالیسم ذریعه جنگ سالاران کاشته می شود، در حدود شصت کشور جهان از آن رنج می برند و هر روز صد ها نفر قربانی این مین ها می شوند. در کشور خود ما در فردای شکست سوسیال امپریالیسم اشغالگر روس حدود ۳۶ میلیون ماین توسط اشغالگران روسی، بی وطنان وجدان باخته "خلفی - پرچی" و مزدوران اخوانی کاشته شده به جای مانده بود. پس از آن، ساحات باز هم بیشتری از کشور ما توسط تنظیم های متحارب اخوانی، طالبان مزدور، اشغالگران امریکائی - ناتوئی، نظامیان دولت مستعمراتی کابل و داعشیان ماین گذاری شده است. از چهار دهه قبل تا همین امروز این ماین های کاشته شده در اکناف کشور از غیرنظامیان افغان شامل کودکان، زنان و مردان قربانی گرفته و مردم بی گناه ما از شر کابوس هولناک آن رهائی ندارند.

امروز شصت و پنج میلیون انسان آواره و مهاجر از اثر جنگ افروزی امپریالیسم امریکا و سائر دول امپریالیسی در سراسر جهان سرگردان و پریشان اند.

اینست سیمای واقعیت و چهره واقعی جهانی که به قول این شارلاتان ها در گذشته برای مدتی روابط و مناسبات بین المللی بیشتر بر پایه ایدئولوژیک و نزدیکی های خطی استوار بود، حال جای آن را " منافع مشترک " گرفته و بسیاری از " تقابلات " به "تعاملات" جای عوض نموده اند؛ اینست "منافع مشترک" میان کار و سرمایه، میان فقیر و غنی، میان تاراجگر و تاراج شده در متن "تعاملات" جدید ادعائی عناصر خودفروخته دنی در "عصر نوین". این ادعای مسخره و پوچ، صرف مبین دنائت و خیانت تاریخی این پست فطرتان است و بس! این به قول زنده یاد احمد شاملو، یاوه است، یاوه، یاوه!

این سفسطه گران یاوه گو که جیب شان از سکه های سبز و سرخ پُر و تنور شان از آتش جهنمی اشغالگران جهان سرمایرداری " گرم است، در کمال بی آزرمی و ناحق به خود برجسب «سازمان آزادیبخش مردم افغانستان» «ساما» را می زنند. این گمراهان درست می پندارند و می پذیرند که هر از گاهی منافع کشور های امپریالیستی غربی و شرقی شامل پوتین در ماسکو و شی جین پنگ در بیجینگ، از "تقابلات" به "تعاملات" رسیده و این خون آشمان غارتگر با تقسیم ثروت های ملل کنار هم مشترکاً به غارت و چپاول، قتل و کشتار بیرحمانه خلق ها می پردازند. به رغم شیادی و شیطنت مداح اعلامیه نویس هرزه گوی، حاکمان فعلی چین با بلندپروازی های توسعه طلبانه امپریالیستی شان، نه رهبران "حزب کمونیست"، بلکه به حیث هم پیمانان جهان سرمایه و همتایان اربابان امریکائی و اروپائی شما تسلیم طلبان منحرف، چهره عوض نموده اند.

به قول بزرگان بگذار که به اجنه و شیاطین و ارواح خبیثه، هیولای مهیب اجازه دهیم که آزادانه ابراز عقیده کنند و علف های سمی جوانه زنند و به تعداد زیادی رشد کنند تا مردمی که تازه از وجود این عوامل پلید بی خبر اند، دست به کار شوند و آن ها را از میان بردارند، می توانید بهتر نابود شان کنید، تنها هنگامی که به علف های سمی اجازه دهید که از خاک جوانه زنند، می توانید ریشه کن شان کنید، مگر دهقانان هر سال چندین بار خیشاوه نمی کنند؟

این هدایت مبارزه به سوی پیروزی است. منادیان وطنی لیبرالیسم و نئولیبرالیسم، دشمنان فکری و طبقاتی، مرتجعان، منحرفان، تجدیدنظر طلبان، تسلیم طلبان و... منافع حقیر کور شان کرده، برتری و حقانیت مطلق فلسفه و امر پرولتاریا

را بر بورژوازی نادیده می گیرند. این کوراندیشی در حالی است که وجود طبقات و مبارزه طبقاتی يك واقعیت عینی یعنی مستقل از اراده انسان است، یعنی مبارزه طبقاتی اجتناب ناپذیر است.

به این ادعای فریبنده توجه کنید که می گوید: «در چنین دنیائی هیچ کشوری نمی تواند اطرافش دیوار بکشد و یا در انزوا دوام آورد، وابستگی ها دیگر وابستگی های یکطرفه نبوده بل بدرجائی متفاوت وابستگی جهانی نیز مطرح می باشد، در این دنیا قطع وابستگی و مناسبات بین المللی بزرگ ترین قدرت های سرمایه داری را نیز به زانو در می آورد.»

پذیرفتن روابط عادی و داد و ستد میان دول و کشور های دارای نظام اجتماعی - اقتصادی متفاوت، از جمله بدیهیات است. این چیز نیست و وابستگی دول ضعیف و تحت سلطه به دول قوی مهاجم و غارتگر، چیز دیگری. طرح مسأله به گونه اعلامیه نویس شعبده باز، علاوه بر شیطنت وی، اعتراف بر پذیرفتن یوغ اسارت امپریالیسم متجاوز و غارتگر بر دوش نحیف خودش و باند تسلیم طلبش است. این حاکی از آن است که این غلامان حلقه به گوش از فرط شیفتگی، در کمال وقاحت و کاسبکاری در صف دشمن خزیده اند، ننگ وابستگی را قابل قبول و مقبول دانسته و امروز آشکارا سر از درون ساختار های مستعمراتی امپریالیسم بدر آورده و ضمن پس مانده خواری و ریزه خواری از بقایای خوان کثیف امپریالیسم، برده وار برای خلق های جهان وابستگی را یعنی بردگی بدون قید و شرط را توجیه می کنند. این منافقان هرزه در عین ارتکاب خیانت و خیانت و حین تقابل با اندیشه های زنجیر گسل جانبازان و خون های سرخ سرو قامتان انقلابی ما و رهبران سترگ آزاده "ساما" و سائر جانبازان انقلابی کشور، متاع بُنْجُل خیانت ملی و تاریخی خود را ریاکارانه به نام "ساما" در بازار تقلب عرضه می کنند.

مگر این شیدان کر و لال بودند که خلق افغانستان طی حدود چهار دهه از وابستگی خلق و پرچم گرفته تا مزدوری دولت خیانت پیشه در ۱۶ سال اخیر که شما مدعی "اصلاح بنیادی" آن هستید، نظام های دست نشانده سوسیال امپریالیسم روس و امپریالیسم جنایت گستر امریکا، چه مصیبت های وابستگی را تجربه نموده و در نتیجه آن چند میلیون قربانی و عده کثیری از نفوس کشور معلول و زخمی و آواره شده اند، کشور عزیز ما ویران و هنوز که هنوز است از فرزندان قربانی می گیرند. اگر نابینا و کر نیستند، باید دیده و شنیده باشند که در افغانستان، عراق، سوریه، لیبیا، یمن و... چه تعداد بی خانمان، آواره، و قربانی امیال شوم جهان سرمایه شده اند، و کشور های شان به تل خاکی مبدل شده است و خلق های دربند آن کشور ها درد وابستگی را تا اعماق وجود شان احساس کرده اند؟

این موش مردگان با کارنامه و تاریخی ننگین، و به پشتیبانی از استعمار و امپریالیسم و نظام برده منش، لباس مندرس به تن کرده اند، و تمام پلشتی دوران ننگین بردگی را به رخ خویش مالیده و گویا نجات و بیرون رفت تمام مصائب وارده را به دست باد سپرده و خود را ناجی عالم بشریت و فیلسوفان جهانی شدن می دانند و وابستگی را اکسیر نجات بشر می پندارند. این هرزه گویان در عالم خیال چنین می پندارند که گویا به سبک نوینی دست یافته اند و احکام و فرامین وابستگی و جهانی شدن و هزار و يك نسخه از مضحکه های دیگر را تجویز می فرمایند. ولی بی خبر از این که مدت ها است که این لکه های ننگین از صفحه تاریخ مبارزات سازمان ازادببخش مردم افغانستان "ساما" زوده شده و به جایگاه اصلی شان تقرب یافته اند. این لکه های ننگ در هر مردارئی که چون کرم به چپ و راست دلخواه خویش می لولند، در صف دشمنان خلق افغانستان لولیده و به حواله و نواله امپریالیست ها مشغول لجن خواری اند.

فقر و ثروت دو روی يك سکه اند. ثروت در جامعه در دست اقلیت بسیار انگشت شماری انباشته شده که حاصل دسترنج اکثریت زحمتکشان است که چیزی برای بقاء و زنده ماندن به جز فروش نیروی کار جسمی و فکری خود ندارند. این استعمار و استثمار و ارتجاع است که دست به دست هم داده و به وسیله بنگاه های تبلیغاتی توسط مزوران خود جهانی

سازی سرمایه و فقر، وابستگی، دگرگونی از نوع "دموکراسی قلابی" را تبلیغ می کنند و به تداوم حیات ننگین شان با نوشیدن خون خلق ها و تجاوز به خاک کشور ها و جان خلق های جهان ادامه دهند.

سرنگونی امپریالیسم و استعمار و رسیدن به جامعه بری از ستم، استثمار و استعمار، نه يك امر خود به خودی است، بلکه حاصل پراتیک آگاهانه و سازمانیافته کلیه گورکنان نظام سرمایه داری در سراسر جهان "یعنی کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان" است. در این نبرد تاریخی، نیروی پیشرونده و آگاه، بدون توجه به تزلزل، زیانکاری و ارتداد خرده بورژوا های بی ثبات و متلون پناه برده به دشمن؛ باید سهم و وجیبه تاریخی خویش را در امر رهائی توده های تحت ستم از قید اسارت بردگی استعمار و ستم و استبداد طبقاتی ارتجاع حاکم و سپس ترقی به سوی رفاه و آسایش زحمتکشان ستمکش اداء نمایند.

این اوصاف در وجود اعضای صادق، استوار، ادامه کار، جمعگرا و متعهد سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما" سراغ می شود. آری! تاریخ این رسالت میراث داری و پرچم داری سازمان پرافتخار "ساما" را به این راست قامتان استوار، دلیر و نترس "سامائی" سپرده است، نه به این مرتدان، تسلیم طلبان و انحلال طلبان مسخ شده ای که به قول زنده یاد «قیوم رهبر»، سر از گریبان استعمار کشیده و با مالیدن تشتی از قیر به صورت خود، در سیاهی ناپدید شده و قدمگاه خود را گم کرده اند.

به رغم ارتداد، انحراف، عقبگرد و ارتجاع کلیه مسخ شدگان، تاریخ و همراه آن کاروان پیشرونده گردان های پیشتاز و بشریت مترقی آهنگ ترقی دارد و به پیش می تازد. از کاروان ماندن همراهان و این کاروان پیشرونده را همراهی نکردن؛ هیچ عذر، بهانه و توجیهی نمی طلبد. آنانی که با سد شدن موقتی، از آهنگ این پیشروی می کاهند و یا انرژی آن را به هدر می دهند و یا از بیم و یسار در سر گردنه ها به داشته های این کاروان دستبرد می زنند؛ در انتظار مؤاخذه و پرسش تاریخی باشند!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

مرگ و نفرین ابدی بر تسلیم طلبان مرتد خادم استعمار باد!

زنده باد انقلاب و آزادی! مرگ بر تسلیم طلبی!